



در جستجوی هیولاهای دریا

هنوز هم بعد از گذشت دهها سال از انقلاب صنعتی و قدم نهادن انسان بر سطح ماه و کشف ریزترین عنصر تشکیل دهنده جهان هستی، بحث هیولاهای دریایی یکی از ماجراهایی است ...

جام جم آنلاین: هنوز هم بعد از گذشت دهها سال از انقلاب صنعتی و قدم نهادن انسان بر سطح ماه و کشف ریزترین عنصر تشکیل دهنده جهان هستی، بحث هیولاهای دریایی یکی از ماجراهایی است که ذهن بسیاری از افراد را به خود مشغول کرده است. ولی آیا واقعا چنین موجوداتی که بشر سالهاست تصورش را داشته، واقعیت دارند؟ چارلز پاکستون، محققی از دانشگاه سنت اندروز در اسکاتلند یک کریپتوزولوژیست (جانورافسانه‌ای‌شناس) است که تعطیلات خود را به تصور یافتن یک پاگنده یا یک هیولای دریایی در بین جنگل و دریا به جستجو می‌پردازد.

او که در واقع جانورشناسی است علاقه‌مند به حیوانات افسانه‌ای، بر این باور است که با به کارگیری روش‌های مناسب می‌توان از این حکایات یا افسانه‌های به جا مانده از دوران قدیم استفاده و آنها را به واقعیت نزدیک کرد.

شاید هم بتوان نتایج آن را به صورت علمی گسترش داد تا این دغدغه بشر نیز بی‌پاسخ نماند.

پاکستون و محققانی از این دست درصددند که بتوانند جانور افسانه‌ای‌شناسی را به عنوان شاخه‌ای از جانورشناسی تبدیل کنند؛ حال سوالی که پیش می‌آید این است که آیا جانورافسانه‌ای‌شناسی یک علم واقعی است یا یک سرگرمی شیادانه؟

اولین سوالی که پیش می‌آید این است: چه چیزی او را به مطالعه هیولای دریایی واداشت؟

از نظر پاکستون دلایل متعددی محرک او برای شروع این تحقیق بودند. دلیل اول، جالب توجه و جذاب بودن این سوالات برای او بود. دلیل علمی‌تر این بود که از این طریق بتواند اثبات کند چیزهایی که مردم همواره باور دارند لزوما نمی‌تواند به دور از واقعیت باشد، پس نباید همه تصورات بشر را تخیلی فرض کرد و دلیل سوم این بود که می‌خواست به این واقعیت پی ببرد که بشر تا چه حد برای اثبات جرقه‌های ذهنی خود تلاش می‌کند، حتی اگر گاهی این الگوهای مدنظر انسان کاملا با واقعیت متفاوت باشد.

پاکستون معتقد است که در مسیر تحقیقات خود متوجه تناقض و اختلاف آشکار گزارش‌های قدیمی و جدید شده است.

پس او شاخه جدیدی از تحقیقات را آغاز کرد تا به شکاف اطلاعات به جامانده از گذشته پی ببرد. او می‌خواست تفاوت گزارش‌های قدیمی با جدید را با تحقیقاتی که در آنها حیوانات به صورت انتخابی گزینش می‌شوند، مقایسه کند.

به نظر پاکستون نتایج این تحقیق جدید نشان می‌دهد که می‌توان نسبت به گزارش‌های قدیمی‌تر راجع به هیولای دریا تردید داشت، چرا که به نظر او شاید مردم در آن زمان تنها به این دلیل که حیوانات بزرگ و معمولی دریایی را خیلی نزدیک به خود دیده‌اند چنین گزارشاتی کرده‌اند، ولی با این حال متوجه شد که تناقضات و اختلاف اندکی بین گزارش‌های قدیمی وجود دارد. این خود به این معنی است که اگر هم شاهدان موجودات معمولی را هیولا تصور کرده‌اند یا غلط تفسیر کرده باشند، با این حال تشابهاتی بین مشاهدات آنها به چشم می‌خورد.

او به گزارشی که از دو جانورشناس منتشر شده بود اشاره می‌کند. در این گزارش این دو محقق موجودی مارمانند را در جنوب آتلانتیک دیده بودند که از نظر آنها می‌توانسته هیولای دریا باشد، ولی نکته اینجاست که این مشاهده آنها هیچ تناسبی با مشاهدات قدیمی‌تر از هیولای دریا نداشت.

او می‌گوید: گزارش‌هایی راجع به مشاهده هیولای دریا از قرن 18 موجود است، یعنی زمانی که مردم برای اولین بار موجودی که از نظر آنها هیولای دریا بود را در گرینلند که در آن زمان مستعمره آلمان بود دیدند. چیزی که آنها مشاهده کردند موجودی بود که به نظر دمی مارمانند داشت. حال شك او در این است که این اندام مارمانند که آنها دیدند می‌توانسته آلت تناسلی یک نهنگ باشد؟ چون تصاویر این عضو نهنگ‌های نر را کاملا مارپیچ نشان می‌دهد. از نظر پاکستون احتمالا شاهدان ماجرا فقط توانسته بودند آن قسمت مارپیچ از بدن نهنگ را مشاهده کنند و بنابراین گزارش اشتباهی داده‌اند.

وقتی یک جانورشناس حیوانی را می‌بیند، در ابتدا در پی قرابتی از ویژگی‌های آن با گونه‌های شناخته شده قبلی می‌گردد تا براحتی

بتواند آن را رده‌بندی کند و چیزی که مسلم است مردم عادی مخصوصاً در زمان گذشته قادر به تفکیک این جانداران از هم نبوده‌اند. همین موضوع می‌توانسته باعث شود تا آنها گزارش‌های عجیب و باورنکردنی از خود به یادگار بگذارند.

پاکستون معتقد است این احتمال وجود دارد که موجودات ناشناخته‌ای در اعماق دریاها وجود داشته باشند. او معتقد است که در موقعیت کنونی پاسخی قطعی برای این ادعا وجود ندارد. او معتقد است سرعت فزاینده کشف گونه‌های جدید در طبیعت می‌تواند برای ساکنان دریاها نیز رخ دهد و با توجه به این که بشر هنوز تنها بخش کوچکی از دریاها را کاوش کرده است، می‌توان انتظار داشت که آن پایین‌ها چیزهای عجیبی برای کشف انتظار انسان کنجکاو را می‌کشند.

پاکستون اعتقادی به دروغگویی مردم قدیمی یا آنهایی که گزارش دیدن موجودات افسانه‌ای را داده‌اند، ندارد. او معتقد است که به طور منطقی هنوز حیواناتی برای ما ناشناخته باقی مانده‌اند و شاید بعضی‌ها شانس دیدن آنها را داشته‌اند، اما نباید فراموش کرد در گزارش دادن هم همواره اغراق وجود دارد، مخصوصاً اگر گزارش‌دهنده یک فرد علمی نباشد. برای این که بتوانیم حیوان ناشناخته‌ای را بشناسیم بی‌شک باید از تحصیلات سطح بالایی برخوردار باشیم.

به فرض در مورد پستانداران دریایی شاید بدون شک بتوان گفت تنها 10 نفر در دنیا وجود دارند که براحتی می‌توانند نوع و خانواده یک حیوان را تشخیص دهند و با دیدن گونه‌های جدید می‌توانند آن را از سایرین تفکیک کنند.

ما نمی‌توانیم همه چیزهای عجیبی را که می‌بینیم به عنوان گزارش رد کنیم و تنها با اتکا به این که نتوانسته‌ایم آن موجود را بشناسیم پس لزوماً جانداري ناشناخته دیده‌ایم.

livescience - مترجم: بهروز یزدان‌پناه